عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران

محمدعلی محمدی*، ملیحه شیانی**، پیام روشن فکر***

طرح مسئله: *هویت شهروندی چنان‌چه از ترکیب عبارت برمی آید، نوعی تمایز و بازشناسی خودها در معنای شهروند بودن است که دارای بعد تاریخی نیز هست. مفهوم شهروندی در بر دارندهٔ عناصر حقوق، مسئولیت‌ها و تکالیف و احساس تعلق است که در مقابل سایر شهروندان و دستگاه‌های اجرایی معنا می‌یابد و گویای نوعی «پذیرش نهادینه شده» در ابعاد ارزش‌ها، دانش و آگاهی‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌ها و انتظارات افراد جامعه است.*

روش: *پیمایش مقطع-عرضی بوده و جامعهٔ آماری ساکنان ۱۵ سال به بالای شهر تهران می‌باشند که نمونهٔ معرفی با تعداد ٤٥٠ نفر را در ۳۰ محله بالا و پایین و متوسط از ۱۰ منطقه شهرداری تهران با ابزار پرسش نامه مورد بررسی قرار داده که روایی آن به روش صوری و محتوایی از طریق گروه خبره تائید شده و اعتبار آن بر اساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰,۷۰۵ به دست آمده است.*

یافته‌ها: *نشان می‌دهد که هویت شهروندی در ۸۰,٦ درصد پاسخ گویان نمونهٔ مورد مطالعه ضعیف و متوسط است(حدود ۲۱ درصد نمونه مورد بررسی ضعیف، ۵۹ درصد متوسط) و در مجموع می‌توان گفت در شکل غالب، هویت شهروندی متوسط است. در میان ابعاد هویت شهروندی؛ ارزیابی از هنجارهای دمکراتیک، تعهد مدنی و برخورداری از حقوق شهروندی به ترتیب پایین‌ترین مقادیر را در بین پاسخ گویان دارند(به ترتیب با متوسط ۳٤,۸٪، ۳٦,۸٦٪ و ۳۷,۷۲٪). در تحلیل‌های چند متغیری، مدل منتخب این تحقیق با حضور چهار متغیر اعتماد اجتماعی، احساس تعلق، هویت فردی و هویت جمعی می‌تواند ۳۸,۳٪ واریانس متغیر وابسته را تبیین کند.*

نتایج: *برای ارتقاء و افزایش هویت شهروندی در بعد افقی (روابط افراد درون جامعه) باید هویت‌های جمعی و تعلقات عام‌گرایانه را تقویت و در بعد عمودی (روابط حکومت و شهروندان) پیش از هر چیز باید به ارتقاء و بازسازی اعتماد مردم به مسئولان همت گمارد.*

کلید واژه‌ها: شهر تهران، شهروندی، هویت، هویت شهروندی

تاریخ دریافت: **۸۹/۲/۱۰** ***تاریخ پذیرش:*** **۸۹/۱۰/۲۷**

۱ـ این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «هویت شهروندی و راهکارهای ارتقاء آن در شهر تهران» است که به سفارش مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران در سال۸۹-۱۳۸۸ انجام شده است.

* دکتر جامعه شناس، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <ali_gh75@yahoo.com>

** دکتر جامعه شناس، دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

طرح مسئله

تحولات پدید آمده در جوامع حتی در کشورهای در حال توسعه، حرکت به سوی نظام‌های مدیریت مشارکتی به ویژه از دهه ۱۹۶۰ را نشان می‌دهد که لازمهٔ آن رعایت اصول شهروندی و ایجاد نهادهای مدنی بر پایهٔ این اصول است. بنابراین می‌توان گفت کارکرد اصلی شهروندی، ادارهٔ جامعه مبتنی بر رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام وظایف به منظور حفظ نهادهایی است که این حقوق را بر قرار و پایدار نگه می‌دارند(فالکس، ۲۰۰۰: ۱۶۷).

اصول شهروندی از یک سو به افراد، اجازهٔ دخالت آگاهانه در سرنوشت خود و جامعه را می‌دهد و از سویی دیگر این حق را برای جامعه قائل است تا از اعضای خود انتظار داشته باشد حقوق دیگران را به رسمیت بشناسند که این امر با مشارکت آگاهانه، نقادانه و فعال آنان محقق خواهد شد. به بیان دیگر، سلامت جامعه و تداوم انسجام آن نه تنها به عادلانه بودن نهادهای جامعه، بلکه به خصایص، نگرش‌ها، رفتارها و هویت‌های چندگانه اعضای آن وابسته است. این که چگونه هویت‌های ملی، قومی، مذهبی و جنسیتی معنا می‌یابد و چگونه افراد برای پذیرش منافع دیگران توانمند می‌شوند و نحوهٔ حضور و دخالت افراد در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی چگونه است، همه در نهادینه شدن « هویت شهروندی » بازتاب می‌یابد. در این شرایط اعضای جامعه ضمن آشنایی و آگاهی از حقوق خود، قادر می‌گردند با گفتگو و رفتار مناسب و مؤثر، دولت و سازمان‌های مدیریتی و اجرایی را ملزم به پاسخ گویی و شفافیت نموده و با انجام تعهدات و مسئولیت‌های خود فضای مناسب برای رشد و توسعهٔ جامعه از یک سو و زندگی بهتر و رفاه بیش تر برای افراد از سوی دیگر فراهم کنند. در حقیقت، حل مسائل و مشکلات اجتماعی نظیر حفظ محیط زیست، بزهکاری، مسائل و مشکلات اجتماعی و... با برخورداری از حقوق و امکانات مدنی مثل حق مشارکت و امکانات زندگی نظیر فضاهای فرهنگی، تفریحی، خدماتی مناسب‌تر و با انجام تکالیف شهروندی میسر خواهد شد که از نوعی احساس

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

تعلق به جامعه یا « هویت شهروندی » نشأت می‌گیرد. به این ترتیب، با شکل‌گیری هویت شهروندی و ورود اعضای جامعه به حوزه‌های مختلف نظارتی و مشارکتی، مشکلات اجتماعی و شهری کاهش یافته، نیازها و انتظارات متعدد و متنوع افراد برآورده و پیشگیری از فساد و جرم در سطوح فردی و سازمانی امکان‌پذیر خواهد شد.

بررسی‌های تاریخی در زمینهٔ شهروندی نشان می‌دهد که در تعابیر مختلف اغلب جنبه‌های حقوقی مورد تأکید قرار گرفته است، با این همه تجربهٔ شهروندی تنها به موقعیت حقوقی فرد محدود نمی‌شود، بلکه به روابط بین افراد و گروه‌های اجتماعی نیز وابسته است. روابطی که در برخی موارد با فشارها و محدودیت‌هایی در ایفای نقش شهروندی همراه است و به نوبه خود در احساس تعلق و وابستگی افراد و گروه‌ها به نظام اجتماعی تأثیر می‌گذارد. با وجودی که امروزه در بحث‌های توسعه، جایگاه شهروندی و شکل‌گیری هویتی فارغ از تعلقات قومی، مذهبی و اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است، لیکن منابع به طور مشخص به هویت شهروندی نپرداخته‌اند. به بیان دیگر، در منابع بی‌شماری به موضوع هویت و شهروندی به طور مجزا پرداخته شده اما به استثنای یک مورد، هویت شهروندی در آن‌ها مطرح نگردیده است. این مسئله اهمیت توجه به موضوع هویت شهروندی را نشان می‌دهد، چرا که طبق اصول شهروندی همهٔ اعضای جامعه برابر فرض شده و از یک سو واجد حق برخورداری از تمام امتیازات و منابع بوده و از سویی دیگر مسئول و مکلف به مشارکت در امور جامعه هستند. اما شوا هد حاکی از آن است که در بسیاری از جوامع و نظام‌های مدیریت مدنی، آگاهی کامل از موضوع به دست نیامده به گونه‌ای که بتواند مبنای شکل‌گیری هویت شهروندی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و انگیزش گردد. بدیهی است این امر نیازمند مطالعه و پژوهش دقیق در ابعاد مختلف و طرح مسئله‌ای برای پژوهش‌های آینده است.

آن چه در مقدمهٔ فوق ذکر گردید، مشمول وضعیت اجتماعی- مدنی ایران نیز می‌شود و این پرسش را ابتدا مرکز مطالعات شهرداری تهران مطرح و آن را در قالب اولویت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

پژوهشی خود مطرح کرد که وضعیت هویت شهروندی در ایران چگونه است، آیا تحولات اجتماعی ـ سیاسی پدید آمدهٔ دهه‌های اخیر در ایران باعث ظهور و شکل‌گیری «هویت شهروندی » شده و این هویت چه وضعیتی دارد و چگونه می‌توان با شناسایی مؤلفه های آن از یک سو بر ارتقای این هویت و از سوی دیگر در بهبود و پیشرفت جامعه تأثیر گذارد؟ مقالهٔ حاضر در واقع انتشار نتایج حاصله از آن پروژه پژوهشی است که توسط نویسندگان انجام یافته است.

چارچوب نظری

مسئلهٔ هویت امرجدیدی نیست، اما آن چنان که زیگموند بومن (۱۹۹٦) می‌گوید، پرسش جدید از هویت امر تازه‌ای است. مضمون هویت به عنوان یک مسئله اجتماعی از درون مدرنیته بیرون آمده که این روزها هم ضرورت تازه‌تری در دوران گذار به وضعیت پست مدرن پیدا کرده است. اگرچه نمی‌توان این گونه تصور کرد که تا اواخر قرن ۱۸ موضوع هویت مطرح نبوده و افراد مفهومی از وجود خود نداشته‌اند، اما در دوره جدید سیاست‌هایی از درون جنبش‌های اجتماعی نوین به عنوان سیاست‌های فرهنگی یا سیاست‌های هویتی ظهور پیدا کرده که مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن با تأکید بر تفاوت‌ها را مطالبه کرده و گروه های مختلف قومی یا نژادی، ارزشی یا نگرشی و حتی همجنس‌گرایان، خواهان به رسمیت شناخته شدن هویت خود هستند. این سیاست‌ها شکل‌گیری گروه‌های هویتی جدید را پایه‌گذاری کرده که دیگر مثل قرن نوزده موضوعاتش مبارزه برای ثروت، شئون اجتماعی و یا دسترسی به امکانات طبقهٔ بورژوا یا مبارزه برای طبقهٔ کارگر نیست، بلکه موضوعات جدیدی چون قومیت، نژاد، جنسیت و محیط زیست را مطرح می‌کند(Isin & Wood, 1999).

هویت در علوم اجتماعی، یک واژه با کاربردهای وسیع است که برای توصیف مفهوم و بیان شخص از فردیت و یا انتساب گروه خود به یک مجموعهٔ کلان ارائه می‌کند. این

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

واژه بیش‌تر در روان‌شناسی و جامعه شناسی و یا در ترکیب آن دو یعنی روان‌شناسی اجتماعی به کار می‌رود. در رویکرد روان‌شناختی به هویت، تصور فرد از خود یا عزت نفس و یا فردیت «خود» مورد نظر است. مثلاً یکی از هویت‌های مهم در روان‌شناسی، هویت جنسیتی است و بر این امر دلالت دارد که فرد چگونه خود را هم به عنوان یک شخص و هم در ارتباط با افراد دیگر در جهان می‌بیند (Deschamps&Devos, 1998).

در رویکرد جامعه‌شناختی به هویت، بیش‌تر بر مفهوم رفتار مبتنی بر نقش تأکید می‌شود که مفهوم هویت، از تعامل میان یادگیری نقش اجتماعی و تجربهٔ شخصی برمی‌خیزد و فرآیندی است که در آن شخص با جامعه در سطح وسیعی از معنای هویت، جهت احراز و به رسمیت شناخته شدن، به مذاکره می‌پردازد که در مرحلهٔ بعد، این گفتگوها بین گروهی می‌شود.

تعبیر تاچفل از گفتگوی درون گروهی این است که افراد در درون گروه ها مبتنی بر هویت فردی خود رفتار می‌کنند که هم‌زمان فرآیند انطباق با نگرش گروه(هویت‌یابی) نیز در جریان است. بنابراین، بر اساس نظریهٔ هویت اجتماعی آن‌گاه که هویت گروه‌ها و اجتماعات غالب شود، راه و رسم و روش‌های فردی محدود شده و هویت فرد تحت تأثیر هویت گروه یا اجتماع تضعیف می‌گردد و احتمال جستجو و یا مذاکره برای برجسته کردن هویت فردی با مشکل مواجه می‌شود. مثال زمان جنگ نمونهٔ آن است که در چنین مواقعی هویت‌های دیگر تحت تأثیر هویت فراگیر بزرگ تری چون جامعه قرار می‌گیرد (Tajfel,1979). اما به نظر می‌رسد آن چه اهمیت دارد این است که در موارد غیر اضطراری می‌بایست تعامل یا دیالکتیک هویت در جامعه یا در بین گروه‌ها جریان داشته و فرآیند هویت یابی برقرار گردد تا پویایی جامعه حفظ شود.

در فرآیند هویت‌یابی و در شرایط پویای جامعه، انسان‌ها تابع یک هویت واحد نبوده بلکه هم زمان دارای هویت‌های متعدد مذهبی، قومی، طبقاتی و شهروندی... هستند که شایگان از آن به عنوان هویت چهل تکه نام می‌برد(شایگان، ۱۳۸۰). با وجودی که این

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

هویت‌ها به فرد باز می‌گردد اما جنبهٔ اجتماعی دارند و بنابراین، ثابت نبوده و در طول زمان دست‌خوش تغییر می‌شوند که در فضاهای شهری این تعدد و در هم آمیختگی هویت‌ها به وضوح قابل مشاهده است(تاجبخش، ۱۳۸۷). پس اولاً هویت‌ها متعدد و متنوع بوده، ثانیاً دست نخورده باقی نمی‌مانند و در حال دگرگونی و بازسازی هستند. این هویت‌ها در دوران مدرن به وسیله عوامل طبیعی، روانی و اجتماعی تعریف شده است، در حالی که در دوره پسامدرن تعریف هویت به دور از دخالت هرگونه عوامل پیشینی طبیعی، روانی یا اجتماعی صورت می‌گیرد. این نگاه نوین متأثر از ادبیات، زبان‌شناسی و معناشناسی مبتنی بر برداشت ساختارگرایانه اندیشهٔ فوکو و برخی نظریه‌پردازان پسامدرن چون لاکلاو و موفه است که بر سیال بودن و نسبی و متکثر بودن هویت‌ها تأکید دارند (Gergen,1996).

از میان هویت‌های چندگانهٔ فوق، موضوع مقالهٔ حاضر معطوف به هویت شهروندی و تعاریف و مفاهیم مربوط به آن است که در طبقه‌بندی هویت‌ها، ذیل هویت اجتماعی قرار می‌گیرد. این هویت، همانند دیگر هویت‌ها از دو جهت دارای اهمیت است:

۱- بیان‌گر تصور فرد از خویشتن و نحوهٔ تصور دیگران از او در جامعه است.

۲- به اقتضای شرایط اجتماعی پویا شکل می‌گیرد و محصول رابطهٔ هویتی بین دولت و ملت است.

به بیان دیگر احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل دهندهٔ هویت فرد و دولت است که با ارجاع به مفهوم و مؤلفه‌های « شهروندی » می‌توان آن را شناسایی کرد که البته در مکاتب و رویکردهای مختلف، تفاوت‌های محتوایی در تعریف آن دیده می‌شود اما هرچه به دوره‌های اخیر می‌رسیم، از تفاوت‌ها کاسته و به مشترکات مکاتب مختلف نزدیک می‌شویم.

در سنت اجتماع‌گرایی[1] افراد به لحاظ اخلاقی و منطقی بر اجتماع اولویت ندارند، چرا که بسیاری از نام و نشان‌های خود را از اجتماع کسب کرده، در اجتماع پرورش می‌یابند،

1. communitarianism

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

آگاه شده و نقش‌هایی را که به لحاظ اجتماعی تعریف شده، انجام می‌دهند. در حقیقت، زندگی افراد و هویت آنان به عنوان شهروند، به دلیل بقاء و دوام اجتماع بوده و ضرورتاً هویت اجتماع بر هویت افراد ارجحیت دارد. در این تفکر، شهروندی به معنای عضویت کامل در اجتماع و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد، به گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسئولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و اجتماع را دنبال می‌کنند. در این برداشت، شهروندی علاوه بر مشارکت فعال در زندگی سیاسی، در بر دارنده انتظاراتی چون تعهد و وفاداری به کشور، ملت و دولت، دفاع از میهن، اطاعت از قوانین، تسامح و مدارا با دیگران و نظایر آن نیز هست(Oldfield,1990).

بر خلاف اجتماع‌گرایان، تفکر لیبرالیستی فردگرا است، افراد اولویت هستی‌شناسانه، شناخت‌شناسانه و اخلاقی دارند و به عنوان موجود خودمختار و عقلانی تعریف می‌شوند. هویت شهروندی در این رویکرد به این دلیل ارزشمند است که با اعطای حقوق به افراد، فضای لازم را برای دنبال کردن منافع فردی و آزادی‌های شخصی فراهم می‌آورد. شهروندی موقعیتی است که در آن به حقوق فردی تأکید می‌شود که بر اساس آن جایگاه فرد در برابر دولت و سایر شهروندان تعریف می‌شود. این حقوق به افراد فرصت می‌دهد تا منافع شخصی خود را از طریق ابزارهای قانونی مثل انتخابات، تشکیل هیأت‌های پارلمانی و.... دنبال کنند(شیانی، ۱۳۸۱).

رویکرد جمهوری‌خواهانه را در کتاب «شهروندی و هویت» شوارتزمنتال می‌توان ملاحظه کرد که با مداقه در سیاست‌های معاصر به ویژگی‌های زیست سیاسی در دموکراسی‌های مدرن پرداخته و تبیین لیبرال دموکراسی و نقدهای وارد به آن را نقطهٔ عزیمت بحث خود قرار می‌دهد. او به مدد مفاهیم رایج در دستگاه مفهومی جمهوری‌خواهی اعم از خیر مشترک، گستردگی منافع و هویت‌ها را در قالب سیاست‌های مدرن تبیین می‌کند. شوارتزمنتال اصلی‌ترین چالش دستگاه‌های لیبرال ــ دموکراتیک را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

تلاش برای ایجاد تصوری مشترک از «شهروندی دموکراتیک» می‌داند که به نظر وی برای دست یابی به این مهم، می‌بایست تغییر و تحولات اساسی در ساختار نهادهای لیبرال دموکراسی اتفاق افتد، چرا که شهروندان جوامع لیبرال دموکراتیک، در مواجهه با دستگاه‌های سیاسی کم تر احساس هویت‌پذیری می‌کنند. او در دفاع از رویکرد جمهوری خواهانه، آن را فراخوانی برای تقویت هویت مدنی و شهروندی مشترک می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که اگرچه هویت ملی(ملی‌گرایی) در ایجاد احساسات مشترک سیاسی یکی از عوامل اساسی است، اما این «ملی‌گرایی مدنی» است که در ترغیب احساسات مربوط به شهروندی و هویت سیاسی مؤثر است. در این راستا وی با دعوت به تقویت سیاست‌های دموکراتیک در ایجاد نهادهای مدنی، احیای بستر مناسب جهت مشارکت افراد در جمهوری‌های جدید را توصیه می‌کند(Schwarzmental,2003).

جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر هم به تحلیل و تبیین تعامل فرد و جامعه با محوریت مسئلهٔ شهروندی پرداخته‌اند. جوهرهٔ اصلی این مباحث در تعریف شهروندی، شکل‌گیری و بازسازی هویت شهروندی با تأکید بر حقوق، تکالیف و برخورداری از خصایل و ویژگی‌های فردی دارد، که افزون بر شأن و موقعیت حقوقی، عمل به تعهدات و مسئولیت‌ها، دسترسی به منابع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را هم شامل می‌شود.

ایسین و پاتریسیا وود در بررسی‌های نظری خود، شناسایی علل چالش میان شهروندی و هویت را از طریق نقد نظریهٔ لیبرال دموکراسی پی‌گیری می‌کنند. این پژوهش از مطالعات تی. اچ. مارشال در زمینهٔ تکامل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی فراتر رفته و برای شهروندی جنبه‌های دیگری مانند حقوق فرهنگی(اقوام، ادیان، مهاجران) و جنسیتی(حقوق همجنس بازان، دوجنسی‌ها و...) را نیز مهم دانسته و مسائل دنیای مدرن در حوزه‌های تکنولوژیک، اکولوژیک و فرهنگ جامعهٔ مصرفی را در چارچوب مطالعات شهروندی، اجتناب ناپذیر می‌داند(Isin&Wood,1999).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

شهروندی به عنوان یک هویت اجتماعی در درون یک بستر شکل می‌گیرد که تاریخ، سنت‌ها، نهادها، عوامل محیطی و جغرافیایی و... بدان معنا بخشیده و تا زمانی که این عوامل پا برجا باشند، اهمیت فرد را به عنوان یک موضوع محوری در تحلیل هویت شهروندی حفظ خواهد کرد. بنابراین به نظر می‌رسد در بحث هویت شهروندی آن چنان که امروزه نئولیبرال‌ها و نئواجتماع‌گرایان بیش‌تر به هم نزدیک شده‌اند، حقوق و مطالبات شهروندان به همان اندازه تکالیف و وظایف آنان اهمیت یافته و در شکل‌گیری هویت شهروندی تردید و تشتتی حتی آکادمیک هم وجود ندارد.

در واقع شهروندی در سه سطح بحث می‌شود که منزلت و حقوق و هویت سطوح سه گانهٔ آن را تشکیل می‌دهد. در سطح اول، شهروندی به مثابهٔ منزلت است که عضویت در یک جایگاه و ایفای نقش مورد انتظار در اجتماع را توضیح می‌دهد، سطح دوم، شهروندی در بعد حقوق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که بیان گر ظرفیت‌ها و مصونیت‌هایی است که با منزلت ارتباط دارد و در سطح نهایی، شهروندی به مثابهٔ هویت مطرح می‌شود که حاکی از جنبه‌های رفتاری کنش فردی در برابر جامعه و درک این مطلب است که فرد بخشی از جامعه را تشکیل می‌دهد. البته این پنداشت‌ها از شهروندی ارتباط تنگاتنگی با حاکمیت رسمی دارد(Joppke,2007).

در تعابیر دیگر، بحث از این سه سطح فراتر رفته و حوزهٔ هویت یابی صرفاً به سه مقولهٔ منزلت، حقوق و هویت محدود نشده، بلکه مثلاً رابطهٔ هویت شهروندی و نابرابری اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گرفته و تأکید می‌شود، که هویت شهروندی تنها به جایگاه قانونی و یا شأن و منزلت اجتماعی بستگی ندارد، بلکه به دسترسی به منابع اقتصادی و اجتماعی هم مربوط است. در این گونه رویکردها به عنوان مثال به تأثیرات آموزش بر شکل‌گیری هویت شهروندی اشاره شده و از نابرابری آموزشی به عنوان عاملی یاد می‌شود که در پدید آمدن نابرابری و آزرده شدن وجدان شهروندی مؤثر بوده که مانع مشارکت می‌شود. آموزش به عنوان پدید آورندهٔ دانش پایه، مهارت‌ها و نگرش‌ها، تقویت کنندهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

وجدان شهروندی و مشارکتی و آموزش مدنیت، باعث ظهور و تثبیت هویت شهروندی جدید شده و نقش مهمی در شکل‌گیری هویت شهروندی در کشورهای دموکراتیک دارد (De la Paz, ۲۰۰۸).

در نظر دلاپاز، وجدان شهروندی معادل اعتقاد راسخ به شهروند بودن است و موضوعاتی چون شناخت حقوق و وظایف شهروندی، دولت به عنوان مسئول اعطای حقوق و وظایف از طریق اعمال قوانین و سیاست‌ها و تشخیص مشروعیت را به عنوان عناصر وجدان شهروندی برمی‌شمارد. دولت نقش اساسی در پدید آمدن وجدان شهروندی دارد، زیرا اگر دولت با افراد به عنوان شهروند رفتار ننماید، آنان قادر نخواهند بود که وجدان شهروندی را توسعه دهند (De la Paz, Ibid).

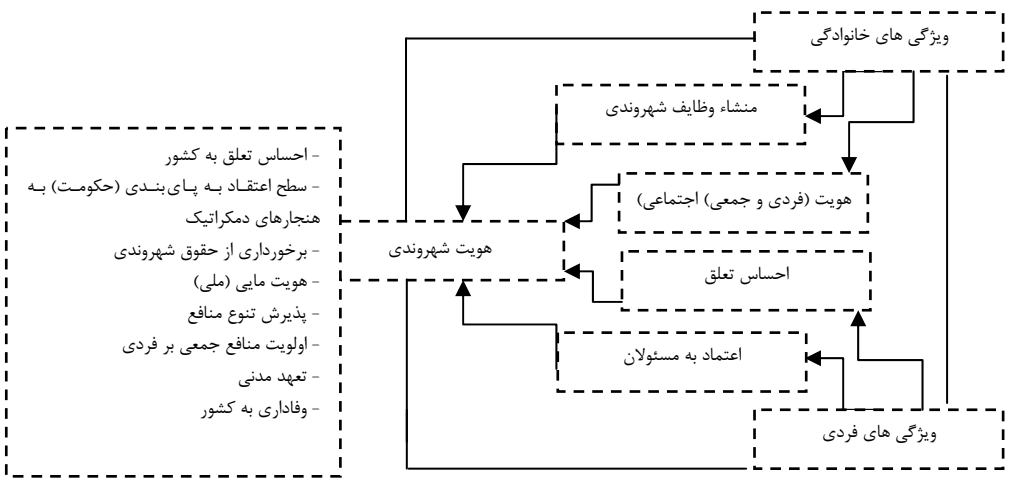
هویت شهروندی با رویکرد روان شناختی هم که به رعایت عزت نفس و فردیت شهروندان تأکید دارد، به این بخش از برجسته بودن هویت فردی در چارچوب هویت شهروندی اشاره می‌کند و در رویکرد جامعه‌شناختی توجه و مراعات نقش و شئون اجتماعی افراد جامعه مد نظر است که در یک رابطهٔ دیالکتیکی بین مردم و حکومت شکل می‌گیرد. به همان نسبت که دولت و نهادهای رسمی موظف به رعایت حقوق شهروندی افراد هستند، مردم نیز باید در انجام تکالیف خود در رابطه با حکومت و جامعه متعهد باشند. در صورت تحقق این دو طیف از وظایف و حقوق متقابل، هویت شهروندی شکل می‌گیرد که بر اساس تمام تعاریف، عنصر اصلی توسعه و انسجام اجتماعی خواهد بود. به تعبیری، شهروندی کامل که مبتنی بر برخورداری از کلیهٔ حقوق اجتماعی شامل امنیت، رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی، آموزش و بهداشت همگانی و مانند آن است، به معیار اصلی همبستگی ملی تبدیل می‌شود(کیویستو، ۱۳۷۸).

به بیان دیگر، نخستین گام در شکل گیری هویت شهروندی تحول از جامعه‌ای غیر دموکراتیک به جامعه‌ای شهروند مدار است. جامعهٔ ایران بنا بر دلایل متعدد از دیر باز بستر مناسبی برای بازسازی این هویت نبوده و با وجود تحولات پدید آمده از زمان مشروطه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

تاکنون، به نظر می‌رسد در تحقق کامل هویت شهروندی با مشکلات جدی روبرو است. چرا که هویت شهروندی مستلزم برقراری رابطهٔ دیالکتیکی درونی - بیرونی میان وضعیت‌هایی است که در آن ها از یک سو فرد بر هویت خود تأکید می‌کند و از سویی دیگر جامعه هویت وی را معتبر می‌شمارد. بر همین اساس، در این مطالعه افزون بر شناسایی عناصر تشکیل دهندهٔ هویت شهروندی، تأثیر عوامل فردی، خانوادگی و نگرشی بر آن، مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص گردد چگونه هویت شهروندی در تعامل با دیگر انواع هویت‌های فردی و جمعی، زمینه‌های اجتماعی، اعتماد و احساس تعلق خود را آشکار می‌سازد. مدل نظری طراحی شده، بیان‌گر روابط پیش بینی شده میان هویت شهروندی و دیگر متغیرها است.

مدل نظری



[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

روش‌شناسی

پژوهشی که این مقاله بر اساس یافته‌های آن تدوین شده، رهیافتی کمّی و فرضیه آزما داشته و با انجام پیمایش مقطعی به بررسی فرضیه‌ها پرداخته است. بخشی از اطلاعات با مرور منابع در قالب مطالعات اسنادی و بخشی دیگر با تکنیک پرسش نامه و مراجعه به افراد پاسخ‌گو گردآوری و مورد پردازش قرار گرفته است.

جامعهٔ آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه

جامعهٔ آماری این پژوهش را ساکنان ۱۵ سال به بالای شهر تهران تشکیل می‌دهند که در زمان اجرای طرح در مناطق ۲۲ گانهٔ شهر تهران سکونت داشته و واحد آماری به شمار می‌رود. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده و حجم نمونه بر اساس مقادیر به دست آمده d و S و نیز با ضریب اطمینان ۹۵ درصد با استفاده از فرمول کوکران ٤٦٠ نفر برآورد گردید. افراد نمونه پس از دسته‌بندی مناطق، در چند منطقه بالا، متوسط و پایین شهر که به لحاظ تفاوت‌های فضایی، اجتماعی، اقتصادی قابل مقایسه‌اند، به طور تصادفی انتخاب گردیدند. پس از عملیاتی کردن مفاهیم و طراحی ابزار پژوهش، عملیات میدانی انجام و پرسش نامه‌ها در میان ٤٦٢ نفر از ساکنان ۱۰منطقه (۳۰ محله) شهر تهران تکمیل شد. از طریق این تعداد نمونه که به طور مستقیم مورد پرسش قرار گرفتند، اطلاعات ۱۹۸۰نفر از اعضای خانوارهای آنان نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

به منظور سنجش اعتبار(روایی) ابزار اندازه‌گیری از روش اعتبار صوری(محتوا) بهره‌گیری شد و برای تشخیص و تعیین گویه‌های مناسب و پایدار[1] از محاسبه ضریب پایایی[2] آلفای کرونباخ در پیش آزمون استفاده گردید که مطابق خروجی نرم افزار مقدار آن Alpha=0.7055 محاسبه شده است. به روش دونیمه کردن[3] مقادیر(۰,۵۰۰و ۰,۵۷۹) است.

1. consistent
2. reliability Coefficient
3. split-half

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

همچنین در روش موازی[1] ۰,٦٥٣ به دست آمده است.

ضریب آلفای کرونباخ

جدول – روایی شاخص‌ها و گویه‌ها ابزار سنجش

خرده مقیاس‌ها	Scale Mean if Item Deleted	Cronbach's Alpha if Item Deleted	ANOVA with Tukey's Test for Nonadditivity	Hotelling's T-Squared Test
هویت	۲۲	۰/٦۲٤		
احساس تعلق(عام گرایی)	٦	۰/٥۷٤		
احساس تعلق به کشور	۲	۹/٦۲۲		
ارزیابی هنجارهای دمکراتیک در جامعه	۱۰	۰/٦٥۸		
برخورداری از حقوق شهروندی	۹	۰/٦۲٥	F Between Items=۳۷٥۳,۹۱۳ Sig=0.000	H.T.T= ٤۷۸٤,٦۲۹
هویت ملی مایی	٦	۰/٦۰۲		
پذیرش تنوع منافع	٦	۰/٦٦۷	F Residual=۷۹٦,۰۷۹ Sig=0.000	F= ٤۳۳۱,۳٦۰ Sig=0.000
اولویت منافع فرد بر جمع	۲	۰/٦۳٦		
تعهد مدنی	۱۲	۰/٦۱۳		
وفاداری به کشور	٦	۰/٥۹۲		
منشاء وظایف شهروندی	٤	۰/٦٥۹		
سازۀ ترکیبی	**۸٥ گویه(۱۱آیتم)**	**۰,٦٥۰**		

توصیف یافته‌ها

1. parallel

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان ویژگی‌های جامعهٔ مورد مطالعه را چنین توصیف کرد: از مجموع ٤٦٢ پاسخ‌گو، حدود ۵۱٪ را زنان و ٤۹٪ را مردان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی در این نمونه ٤۰ سال، میانه ۳۸ سال و مد یا بیش ترین فراوانی سنی ٤۰ سال بوده است که در میان آن‌ها ۳۱٪ در گروه سنی ۱۵ تا۲۹ سال قرار داشته و جمعیت جوان را تشکیل می‌دهند. اکثر پاسخ‌گویان محل تولد خود را شهر تهران اظهار داشته‌اند، به طوری که حدود ٦۱٪ گفته‌اند که در تهران به دنیا آمده و ۳۷٪ متولد سایر شهرها یا روستاهای ایران و چند نفر هم در خارج از ایران متولد شده‌اند. به لحاظ قومیت، اکثریت فارس هستند (حدود ٦۰٪). پس از آن، حدود ۲۵٪ خود را آذری معرفی کرده، لرها و کردها هم حدود ۸٪ پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند؛ بقیهٔ افراد هم به سایر گروه‌های قومی تعلق دارند. همچنین، حدود ۹۷٪ ازپاسخ‌گویان را مسلمانان شیعه و نزدیک به ۱٪ را اهل تسنن تشکیل می‌دهند و ۲٪ نیز خود را منتسب به سایر ادیان معرفی کرده‌اند.

میانگین سال‌های تحصیل پاسخ گویان معادل ۱۱/۸۸ سال (دیپلم) محاسبه شده است. ۲/٤٪ پاسخ‌گویان بی‌سواد، حدود ۱۰٪ در حد ابتدایی، ۱٦٪ سیکل و زیر دیپلم، ۳۵٪ دیپلم، حدود ۳۰٪ در حد کاردانی یا کارشناسی و در نهایت حدود ۵٪ تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند. بررسی وضعیت فعالیت پاسخ‌گویان نشان می‌دهد حدود ۳۵٪ آن‌ها شاغل هستند. پس از آن، حدود ۳۲٪ خود را خانه دار معرفی کرده، ۱٤٪ بازنشسته، ۱۰٪ در حال تحصیل و در نهایت حدود ۷٪ نیز بیکار هستند. میانگین درآمد برآورد شده معادل ٦۰۲ هزار تومان در ماه است. نزدیک به نیمی از افراد حدود ٤۵٪ درآمد متوسطی بین ۳۵۰ هزار تا ٦۰۰ هزار تومان داشته‌اند. حدود یک سوم پاسخ‌گویان (حدود ۳۳٪) نیز اظهار داشته‌اند که درآمد ماهیانهٔ آنان کم‌تر از ۳۵۰ هزار تومان و حدود ۲۰٪ پاسخ‌گویان درآمدی بیش از ٦۰۰ هزار تومان در ماه دارند.

مطابق با یافته‌ها ۸۰,٦ درصد پاسخ‌گویان از هویت شهروندی ضعیف و متوسط برخوردارند(حدود ۲۱ درصد ضعیف، ۵۹ درصد متوسط) و با وجود تفاوت در ابعاد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مختلف، هویت شهروندی غالب در جامعهٔ مورد مطالعه، هویت شهروندی بینابین است. در میان ابعاد هویت شهروندی، ارزیابی از هنجارهای دمکراتیک، تعهد مدنی و برخورداری از حقوق شهروندی به ترتیب پایین‌ترین مقادیر را با متوسط ۳٤,۸٪، ۳٦,۹٪ و ۳۷,۷٪ به خود اختصاص می‌دهند.

حدود ٦٦٪ پاسخ گویان در حد متوسط معتقد به پای بندی به هنجارهای دمکراتیک در جامعه هستند. پس از آن، در میان حدود ۳۰٪ پاسخ گویان میزان پای‌بندی کمی به هنجارها وجود دارد و فقط حدود ٤٪ افراد اظهار کرده‌اند که تا حد زیادی به پای بندی هنجارهای دموکراتیک اعتقاد دارند. به این ترتیب جامعه از لحاظ پای بندی به هنجارهای دمکراتیک وضعیت متوسط و ضعیفی را در ارزیابی پاسخ‌گویان داشته است. هنجارهای دموکراتیک شامل مواردی چون عدالت قانونی، عدالت قضایی، عدالت قومیتی، برابری و عدم تبعیض، احترام به قانون و آزادی است.

از میان هنجارهای دمکراتیک پایین‌ترین میزان پایبندی، به هنجارهای برابری و عدم تبعیض و عدالت قضایی تعلق داشته(٤۸,۱٪ و٤۹,۹٪)، آزادی رتبه بعدی و تنها احترام به قانون است که بیش از ۷۲,۸٪ جامعه معتقدند که نسبت به آن پای‌بند هستند.

«تعهد مدنی» شاخص دیگری است که بخشی از هویت شهروندی را تشکیل می‌دهد، نتایج نشان می‌دهند که نسبت افراد دارای تعهد مدنی بالا، کم‌تر از ۱٪ است. در پاسخ به این پرسش که «شما در یک سال گذشته تا چه حد در فعالیت های داوطلبانهٔ مربوط به محله و شهر خود شرکت کرده اید؟» اکثریت افراد (حدود ۷۵٪) گزینه‌های کم یا خیلی کم را انتخاب کرده‌اند که نکتهٔ قابل تأملی است. در این زمینه، بیش‌ترین مواردی که باعث اعتراض افراد بوده مواردی چون عدم رعایت نوبت است که بیش تر جنبهٔ نفع شخصی دارد، در حالی که کم‌ترین اعتراض در زمینهٔ اموری مانند تخریب اموال عمومی وجود داشته که نشانهٔ دیگری از تعهد مدنی ضعیف در بین نمونهٔ مورد مطالعه بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

عضویت در انجمن‌ها و نهادهای مدنی از دیگر شاخص‌های مشارکت و تعهد مدنی است که طبق یافته‌ها در وضعیت نامناسب قرار دارد. حدود ٤٠ درصد افراد هیچ گونه فعالیتی از این نوع ندارند. در میان کسانی که دارای فعالیت در عرصهٔ مدنی هستند، تنها ۳ درصد در سازمان های غیر دولتی یا شورای محل عضویت دارند که بالاترین سهم یعنی ۲۰ درصد، متعلق به عضویت در هیأت‌های مذهبی است.

ضعف مشارکت مدنی در پاسخ به این پرسش «اگر از طرف شهرداری از شما برای شرکت در فعالیت های داوطلبانه در ارتباط با محله یا شهرتان دعوت شود تا چه اندازه حاضرید قبول کنید؟» نیز نمایان است. به طوری که حدود ٤٣٪ پاسخ‌گویان گزینهٔ «تاحدودی» را انتخاب کرده‌اند. حدود ۲۹٪ نیز درصد کمی حاضر به پذیرش دعوت هستند.

مؤلفهٔ دیگر هویت شهروندی، به برخورداری از حقوق شهروندی اختصاص دارد که بر اساس یافته‌ها، بیش از نیمی از افراد ۵۰,۵٪ در حد متوسط خود را برخوردار از حقوق شهروندی می‌دانند. پس از آن، ۳۰,۵٪ در حد کم، ۱۹٪ در حد زیاد معتقدند که از حقوق شهروندی در جامعه برخوردارند. در این ارزیابی‌ها، کم‌ترین میزان برخورداری از حقوق شهروندی در ارتباط با دسترسی آزاد به اطلاعات و پس از آن مطرح شدن نظرات واقعی مردم در رسانه‌های جمعی از جمله صدا و سیما و روزنامه‌ها بوده است.

در بین دیگر ابعاد هویت شهروندی، پذیرش تنوع منافع، اولویت منافع جمعی بر فردی و وفاداری به کشور نقاط ضعف و قوت قابل توجهی وجود دارد.

به لحاظ پذیرش تنوع منافع، اولویت برتری منافع مردان بر زنان در میان نسبت قابل توجهی از افراد کاهش یافته به طوری که حدود ٦٠٪ از مردان و زنان معتقد به توزیع منافع برابر بین دو جنس هستند. نکتهٔ قابل توجه آن است که با وجود غلبهٔ بسیاری از ارزش‌ها و سنت‌های دیرپا در جامعه، نگرش‌ها به سمت برابری جنسیتی تغییر کرده است. اما همچنان حدود ٤٢٪ معتقدند نابرابری میان زن و مرد در جامعه ضروری است. این مسئله در زمینهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

مذهبی این گونه خود را آشکار ساخته که حدود ۵۳٪ بر منافع شیعه و سنی به طـور برابـر تأکید داشته و تنوع منافع را در بعد مذهبی می‌پذیرند. همچنین حدود ۸۳ ٪ اظهار کرده‌انـد که باید جامعه طوری اداره شود تا همهٔ افراد و گروه‌ها با هر عقیده، گرایش و قومیتی از آن نفع برده و احساس رضایت کنند.

هویت‌یابی مایی به شکل هویت ملی در میان عناصر هویت شهروندی بالاترین حـد را داشته است که نشانهٔ تعلق به عناصر ملی است. پس از آن، احـساس تعلـق و وفـاداری بـه کشور به ترتیب بیش‌ترین میزان را کسب کرده‌اند.

هویت ملی در میان اکثریت ۷۱ درصدی از افراد در سطح بسیار بالا بوده، حـدود ۲۶٪ در حد متوسط و فقط ۲٫۵٪ هویت ملی ضعیف داشته‌اند.

بالاترین هویت مایی، در هویت ملی مربـوط بـه پـرچم(۸۳٫۲٪)و سـرود ملـی ایـران (۸۱٫۸٪) بوده است. حدود ۷۱٪ پاسـخ‌گویـان اظهـار داشـته‌انـد در حـد زیـاد و ۱۹٪ نیـز تاحدودی و حدود ۱۰٪ ابراز کرده‌اند تا حد کمـی از ایرانـی بـودن خـود احـساس غـرور می‌کنند. همچنین حدود ۷۹٪ پاسخ‌گویان ابراز داشته‌اند که احساس تعلق زیادی نسبت بـه ایران دارند و فقط حدود ۸٪ پاسخ‌گویان احساس تعلق کمی نسبت به کشور داشته‌اند.

بررسی مقدار وفاداری به کشور، نـشان مـی‌دهـد نزدیـک بـه نیمـی از افـراد ٤٧٫١٪ از وفاداری بالایی نسبت به کشور برخـوردار بـوده و پـس از آن، ٤٥٫٥٪ از پاسـخ‌گویـان تـا حدودی به کشور وفاداری نشان داده و حدود ۷٪ از جمعیت مورد مطالعهٔ وفـاداری کمـی نسبت به کشور دارند.

به طور متوسط حدود ۷۰ ٪ سختی کار در ایران را به راحتی کار در هـر جـای دیگـر ترجیح میدهند و به طور متوسط بیش از ٦٥ ٪ برای دفاع از کشور حاضرند از مال و جـان خود بگذرند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

تبیین و تحلیل یافته‌ها

همان‌طورکه در مباحث نظری آمد، شکل‌گیری و ارتقای هویت شهروندی متأثر از عوامل مختلفی است. بررسی رابطهٔ میان متغیرهای زمینه‌ای و سازهٔ شکل دهندهٔ هویت شهروندی نشان‌گر آن است که سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، محل تولد، و وضعیت مسکن با متغیر وابسته ارتباط معنادار برقرار کرده است. به طوری که افراد متأهل نسبت به مجردها از هویت شهروندی قوی‌تری برخوردارند(۰,۰۰۷)، افرادی که مالک مسکن خود هستند، در مقایسه با کسانی که مالکیت شخصی برای خانه مسکونی ندارند، هویت شهروندی قوی‌تری دارند(p=۰,۰۱٤). این مسئله در مورد افرادی که محل تولد آنان غیر از شهر تهران است نیز مصداق دارد. یعنی شهرستانی‌ها نسبت به تهرانی‌ها هویت شهروندی قوی‌تری دارند(p=۰,۰۰۲). در مورد سطح تحصیلات نیز افرادی که از سطح تحصیلات متوسط برخوردارند، دارای هویت شهروندی قوی‌تری هستند(p=۰,۰۱۲).

علاوه بر روابط دو متغیری، بر اساس مدل نظری و با روش رگرسیون قدم به قدم(stepwise) اثرات جمعی متغیرهای موجود در مدل در حضور یکدیگر، بر روی متغیر وابستهٔ هویت شهروندی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که متغیرهای باقیمانده(احساس تعلق، اعتماد به مسئولین کشور، هویت فردی، هویت جمعی) در مدل آماری حدود ٤۲,۵٪ واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

جدول- ضرایب تحلیل رگرسیون هویت شهروندی

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	B	بتا	t	sig	F	sig	R Square
هویت شهروندی	Constant	۱۰۹,۳۳۵		۰/٦۲۷۲	۰/۰۰۰	۸٤/٥۷٥	۰/۰۰۰	۰/٤۲٥
	اعتماد به مسئولین	۰/۰٤۷۸	۰/٤۸۹۰	۳/٥۳۷۱	۰/۰۰۰			
	(احساس تعلق) عام گرایی	۰/۳۹۷۰	۰/۳۰۸۰	۰/۳۰۰۷	۰/۰۰۰			
	هویت فردی	-۰/٥۷٤	-۰/۱٥۳	-٤/۰۰۱	۰/۰۰۰			
	هویت جمعی	۰/٥۰۸۰	۰/۱۲٤۰	۰/۹٦۲۲	۰/۰۰۳			

از میان متغیرها، بالاترین تأثیر بر هویت شهروندی به متغیر اعتماد به مسئولین با بتای ۰/٤۸۹ تعلق داشته که نشان می‌دهد بر اساس آن بیش تر می‌توان تغییرات هویت شهروندی را پیش‌بینی کرد و کم ترین حد با ضریب ۰/۱۲٤ مربوط به هویت جمعی است که کم ترین تغییرات هویت شهروندی را پیش‌بینی می‌کند. این میزان در احساس تعلق به حدود ۰/۳۱ و هویت فردی ۰/۱٥- کاهش می یابد. بنابراین، مطابق با تحلیل رگرسیون به ترتیب با افزایش اعتماد به مسئولین، افزایش احساس تعلق و تقویت هویت جمعی از یک سو و کاهش هویت فردی از سوی دیگر، می‌توان هویت شهروندی را تقویت کرد.

تأثیر جمعی متغیرهای زمینه‌ای و مستقل بر ابعاد مختلف هویت شهروندی نیز برآورد شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که سطح احساس تعلق به کشور متأثر از متغیرهای زمینه‌ای محل تولد فرد(تهرانی/ غیرتهرانی)، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، اختلاف سن و میانگین تحصیلات والدین و متغیرهای مستقل اعتماد به حاکمان شهری و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

سطح احساس تعلق(عام‌گرایی) است. ارزیابی از پای بندی جامعه به هنجارهای دمکراتیک تحت تأثیر دو متغیر اعتماد اجتماعی و هویت فردی است. برخورداری از حقوق شهروندی تحت تأثیر متغیر زمینه‌ای تحصیلات و نیز اعتماد اجتماعی، سطح احساس تعلق منشأ وظایف شهروندی است. هویت ملی(مایی) به لحاظ زمینه‌ای تنها از اختلاف سنی والدین(شکاف نسلی درون خانواده) متأثر بوده همچنین با سه متغیر اعتماد اجتماعی، سطح احساس تعلق و هویت فردی تبیین می‌شود. پذیرش تنوع منافع به لحاظ زمینه‌ای از میانگین تحصیلات والدین متأثر بوده و اعتماد اجتماعی آن را تبیین می‌کند. اولویت منافع جمعی بر فردی از متغیرهای زمینه‌ای، تفاوت قومی والدین و میانگین تحصیلات والدین تأثیر می‌پذیرد و همچنین با متغیرهای اعتماد اجتماعی، سطح احساس تعلق عام، هویت فردی و منشأ وظایف شهروندی در ارتباط است. تعهد مدنی به لحاظ زمینه‌ای با محل تولد مرتبط بوده و همچنین از سطح احساس تعلق تأثیر می‌پذیرد. وفاداری به کشور به لحاظ زمینه‌ای از اختلاف سن والدین تأثیر می‌پذیرد و متغیرهای اعتماد اجتماعی و سطح احساس تعلق(عام‌گرایی) از تبیین کننده‌های آن است.

در تحلیل نهایی، این تحقیق با چهار متغیر اعتماد اجتماعی، احساس تعلق، هویت فردی و هویت جمعی می‌تواند ۳۸,۳٪ واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. داده‌ها نشان می‌دهد ۵۷,٤ ٪ باقی مانده از واریانس متغیر وابسته مربوط به متغیرهای خرد و کلانی است که در این پژوهش به عنوان متغیر در نظر گرفته نشده است.

نتایج تحلیل های چند متغیری نشان می‌دهد که برای ارتقاء و افزایش هویت شهروندی در بعد افقی (روابط افراد درون جامعه) باید برای تقویت هویت های جمعی و تعلقات عام گرایانه تلاش کرد و در بعد عمودی (روابط حکومت و شهروندان) پیش از هر چیز باید به تقویت و بازسازی اعتماد مردم به مسئولان همت گمارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

بحث و نتیجه‌گیری

در هر جامعه‌ای گام برداشتن در مسیر پیشرفت، توسعه و دست‌یابی به اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت در گرو انسجام و همبستگی اجتماعی است که خود را با هویتی عام و انسجام بخش نشان می‌دهد. بدیهی است شکل‌گیری این هویت‌ها به ویژه هویت شهروندی، علاوه بر شرایط فردی نیازمند بستر اجتماعی، ارزش‌ها، هنجارها و نحوهٔ عملکرد نهادهای اجتماعی است.

نتایج به دست آمده در زمینهٔ هویت شهروندی، نیز می‌تواند به خوبی بر تأثیرگذاری چنین عواملی پی‌برد. طبق یافته‌ها، در میان هویت‌های چندگانه، تقویت هویت جمعی توانسته بر ارتقای هویت شهروندی تأثیر گذارد. افزایش سطح اعتماد به مسئولان هم زمینه را برای تقویت هویت شهروندی فراهم نماید، به طوری که هر چه اعتماد به مسئولان و نهادهایی چون شهرداری بیش‌تر بوده، هویت شهروندی هم قوی‌تر خود را نشان داده است. افزایش احساس تعلق به اجتماعات عام هم رابطهٔ مستقیم و معناداری با هویت شهروندی برقرار کرده است. به این ترتیب، علاوه بر ویژگی‌های فردی می‌توان نتیجه گرفت که ارتقاء هویت شهروندی با تقویت هویت جمعی، افزایش اعتماد به مسئولان، تقویت هنجار عام‌گرایی امکان‌پذیر خواهد بود که مؤید نظریهٔ هویت اجتماعی و نظریهٔ رابطهٔ دیالکتیکی بین مردم و حکومت در شکل‌گیری اعتماد است که تاچفل و کیویستو در بخش نظری این بحث طرح کرده بودند. اگرچه مباحث ساختارگرایانه اندیشهٔ فوکو و برخی نظریه‌پردازان پسامدرن چون لاکلاو و موفه که بر سیال بودن، نسبی و متکثر بودن هویت‌ها تأکید داشتند نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر نیز تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر هویت شهروندی را نشان می‌دهد. ویژگی‌های خانوادگی در قالب تفاوت قومی والدین، میانگین تحصیلی و سنی والدین، بعد خانوار و سرانهٔ درآمد خانوار علاوه بر تأثیرگذاری بر دیگر متغیرها، توانسته تا حدی واریانس هویت شهروندی را تبیین کند. از میان ویژگی‌های

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

فردی سطح تحصیلات، درآمد، مسکن، محل تولد و وضعیت تأهل بـر هویـت شـهروندی تأثیر داشته است. دیگر متغیرهایی که توانسته‌اند در تحلیل مسیر تأثیر بر هویت شهروندی داشته باشند، عبارتند از: هویت فردی، هویت جمعی، هویت اجتمـاعی، اعتمـاد اجتمـاعی، احساس تعلق و منشأ وظایف شهروندی.

براساس این متغیرها می‌توان ٤٣ درصد از تغییرات هویت شهروندی را تبیین نمود. ۵۷ درصد واریانس هم مربوط به متغیرهای سطوح خرد و کلانی اسـت کـه در ایـن پـژوهش وارد نشده است. در میان متغیرها بیش ترین تأثیر مربوط به اعتماد اجتماعی بـا بتـای ۰/٤۹ بوده است. پس از آن احساس تعلق بالاترین ضریب ۰/۳۱ را داشته و در مرتبهٔ بعد هویـت فردی با ۰/۱۵ و هویت جمعی ۰/۱۲ قرار می‌گیرند. بدین ترتیب افزایش اعتمـاد اجتمـاعی که برخاسته از میزان اعتماد مردم به مسئولان و شهرداری بوده و افزایش احساس تعلق بـه اجتماعات عام به ویژه شهر و محله و کشور توانسته موجبات ارتقای هویت شـهروندی را فراهم سازد.

ارتباط هویت های چندگانه با یکدیگر هم تأثیر خود را بـر هویـت شـهروندی آشـکار ساخته، به طوری که تقویت هویت جمعی و تضعیف هویت فردی که تأکید بـر معیارهـا و ارزش های متفاوت است، توانسته سبب تقویت هویت شـهروندی شـود. عـلاوه بـر تـأثیر مستقیم، متغیرها با تأثیرگذاری بر یکدیگر نیز به طور غیرمستقیم زمینه تـضعیف و تقویـت هویت شهروندی را فراهم ساخته‌انـد. تعـاملات درونـی ایـن متغیرهـا، بـستری را فـراهم می‌سازد تا در آن هویت شهروندی شکل گرفته، رشد کند و ارتقـاء یابـد. پـس افـزون بـر روابط مستقیم، بایستی به تعاملات، تأثیرگذاری‌های مثبت و منفی عوامل مختلف هم توجه داشت.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که قوت هویت شهروندی و عناصر تشکیل دهنـدهٔ آن با تأکید بر نظریه و تعریف دلاپاز، شوارتزمنتال و سایر نظریه‌پردازان بخـش نظـری کـه در توصیف و تعیین متغیرها از ایدهٔ آنان بهره گرفته شد، برخاسته از زمینهٔ شکل‌گیری و رشـد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

آن است. هویت شهروندی، با تسهیل نگرش‌ها و کنش‌های خاص افراد در جامعه و در ارتباط با دیگر گونه‌های هویتی معنادار می‌شود. بنابراین، پنداشت معنادار از هویت شهروندی نیازمند به کارگیری شیوه‌هایی است که سایر نیروهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را هم مد نظر قرار دهد. ویژگی‌های خانوادگی، ویژگی‌های فردی، انواع هویت، اعتماد اجتماعی و احساس تعلق از آن جمله‌اند که تأثیرات خود را بر کم و کیف هویت شهروندی نشان داده‌اند. این عوامل در کلان شهر تهران و درپیوند با دیگر نیروها، تأثیرات خود را آشکار ساخته‌اند. بنابراین، ارائهٔ تصویری از حوزه‌ها و منابع تغییر هویت شهروندی و عناصر تشکیل دهندهٔ آن حائز اهمیت است. تغییر حوزه‌های خانوادگی، رشد فردگرایی، پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری ارتباطاتی و نفوذ آن بر تمام زندگی، تغییر نگرش‌ها و... همه نشان دهندهٔ دگرگونی بسیاری از وابستگی‌ها و تعلقات است که به نوبه خود بر هویت‌یابی افراد تأثیراتی را بر جای گذاشته است. نکتهٔ قابل تأمل در جوامع در حال گذار به ویژه کلان شهرها آن است که تغییر در بسیاری از حوزه‌ها و شبکه‌ها صورت گرفته، اما در برخی حوزه‌ها یا تغییری صورت نگرفته و یا تغییرات آن اساسی نبوده و این مسئله هویت شهروندی را در وضعیت بینابین قرار داده است. تقویت شاخص‌های مرتبط با افزایش همبستگی اجتماعی در کنار مطالبات مدرن و ضعف شدید تعهدات مدنی می‌تواند عناصر تشکیل دهندهٔ هویت شهروندی را گاه هماهنگ و گاه متناقض جلوه‌گر سازد. در این شرایط، هویت شهروندی اهمیت زیادی در ارتباط با نهادهای رسمی و حکومتی و حضور در عرصه‌های جامعهٔ مدنی از یک سو و تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و کنش‌های فردی از سویی دیگر خواهد داشت. با توجه به اهمیت هویت شهروندی، تلاش در جهت حفاظت و تقویت ابعاد مختلف آن از طریق بهبود محیط زندگی، شرایط فردی، ارتقای نگرش‌ها و کنش‌های افراد ضرورتی تام می‌یابد. با سیاست‌های ارتقاء دهندهٔ هویت شهروندی می‌توان تأثیر مستقیم بر بهبود اجتماع و زندگی فردی داشت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]

منابع و مآخذ References

- تاجبخش، کیان (۱۳۸٦) **آرمان شهر؛ فضا، قدرت و هویت در اندیشهٔ اجتماعی معاصر تهران**: نشر نی
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰) **افسونزدگی جدید(هویت چهل تکه و تفکر سیار)**، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر فروزان
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱) **شهروندی و رفاه اجتماعی**، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ٤
- فالکس، کیث (۱۳۸۱) **شهروندی**، ترجمهٔ محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر
- کیویستو، پیتر (۱۳۷۸) **اندیشه‌های بنیادی در جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- Bauman, Zygmunt(1996) **From Pilgrim to Tourist or a Short Story of Identity, in Stuart Hall and Paul du** Gay(eds) Questions of Cultural Identity, London: Sage
- De la Paz, Gabriel(2008) **Citizenship Identity and Social Inequality**
- *www.civiced.org/pdfs/delaPazGabriel.*
- Deschamps, Jean-Claude & Devos, Thierry (1998) "**Regarding the relationship between social identity and personal identity**", In Stephen Worchel: Francisco J. Morales; Dario Paez; Jean-Claude Deschamps (eds.) Social identity:International Perspectives, London: Sage
- Faulks. K (2000) **Citizenship**. New York: Routedge
- Gergen, Kenneth J. (1996) Technology and the Self: From the Essential to the Sublime. **Constructing the Self in a Mediated World**, London: Sage
- Isin,Engin F. and Patricia K. Wood(1999) **Citizenship and Identity**, London: sage
- Joppke, Christian(2007) **Transformation of Citizenship**: Status, Rights, Identity,
- - Oldfield. A (1990) **Citizenship: An Unnatural Practice**? In B. S. Turner And P. Hamilton(ed)Citizenship Critical Concepts , London: Routledge
- Oldfield. A (1990) Citizenship And Community: **Civic Rebublicanism And The Modern World** ,London: Routledge
- Schwarzmantel, John,(2003), **Citizenship and Identity: Towards a new republic**, Routledge
- Tajfel, Henri; Turner, John (1979) "An Integrative Theory of Intergroup Conflict" in Austin, William G.; Worchel, Stephen; **The Social Psychology of Intergroup Relations**. Monterey, CA: Brooks-Cole. pp. 94–109.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-27]